

تحلیلی جغرافیایی پیرامون اثرگذاری کالبد مناطق شهری بر ایجاد جرم نمونه‌موردی: سکونتگاه‌های غیررسمی مشهد

حسین حاتمی‌نژاد: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

حجت حاتمی‌نژاد^۱: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

نیر فارابی اصل: کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

مجتبی ثابت کوشکی‌نیا: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان، ایران

فاطمه فوادی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

چکیده

احساس امنیت یکی از نیازهای روحی انسان و از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت فضا است. رویداد جرایم از نظر مکان، زمان و نحوه شکل‌گیری همیشه تصادفی نیست، بلکه اغلب تا حدی به ساختار و ویژگی‌های محل جرم بستگی دارد. همانطور که مجازات مجرم و بزهکار یک ضرورت اجتماعی است، پیشگیری از جرم نیز یک الزام بحساب می‌آید. هدف از انجام این پژوهش بررسی و سنجش نحوه اثرگذاری بافت‌های نامناسب و فرسوده شهر مشهد بر وقوع جرم می‌باشد. روش تحقیق در این مطالعه توصیفی-تحلیلی است، که برای گردآوری اطلاعات از روش‌های میدانی و اسنادی کمک گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پهنه‌های مذکور به لحاظ فراوانی وقوع بسیاری از جرایم به نسبت جمعیت، بالاترین رتبه را در شهر مشهد به خود اختصاص داده‌اند. مناطق دارای بافت ناکارآمد و حاشیه‌ای نسبت به کل مشهد، در جرایم سرقت، مواد مخدر و اعتیاد رتبه اول را دارند، که این امر نشان از بالای بودن میزان جرم و بزه در این مناطق دارد. جرایمی که در پهنه‌های مورد مطالعه به وقوع می‌پیوندد، به لحاظ میزان اهمیت و شدت (میزان مجازات)، نسبت به جرایم رخ داده در سایر مناطق شهر در رتبه‌ی بالاتری قرار دارند. همچنین با تقسیم ویژگی‌های اصلی پهنه‌های اسکان غیر رسمی در مشهد به سه دسته کالبدی، جمعیتی و اجتماعی و با تکیه بر نظریه‌های ارائه شده درباره انحرافات اجتماعی و رابطه مجرم و مکان، می‌توان علل بالا بودن میزان جرم در این بافت‌ها را عوامل کالبدی، جمعیتی و اجتماعی خاص این پهنه‌های فضایی در شهر مشهد دانست.

واژه‌های کلیدی: آسیب اجتماعی، بافت فرسوده، پیشگیری از جرم، کالبد شهر، مشهد.

بیان مسأله:

در کشور ما جریان سریع شهرنشینی، طی چند دهه‌ی اخیر اسکان غیر رسمی را به دنبال داشته و این پدیده‌ی در حال رشد، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی و زیست محیطی فراوانی را در اغلب شهرها به ویژه شهرهای بزرگ ایران بوجود آورده است. اسکان غیررسمی، پدیده‌ای است ناهنجار، که نسبت به بافت متداول شهر مشاهده می‌شود. این پدیده، تجلی فقدان برآورده شدن نیاز مسکن و سرپناه اقشار کم درآمدی است که در فضای رسمی و برنامه‌ریزی شده شهر جایی ندارند و در فرار از محدودیت‌های قانونی خارج از توان خود، به برپایی سکونتگاه‌های نابسامان در حاشیه شهرها، به امید آن که به فرصت‌های شغلی با درآمد مستمر شهری دسترسی پیدا نمایند، می‌پردازند و شامل افراد و خانوارهایی می‌شود که در محدوده فیزیکی و اقتصادی شهر زندگی می‌کنند ولی هنوز جذب نظام شهری نشده و از بسیاری جهات با بافت اصلی شهر تفاوت دارند. در حال حاضر بافت‌های ناکارآمد در کشور ما به عنوان مشکل اساسی در شهرهای مختلف و حتی روستاها مطرح می‌باشند. بافت‌هایی که مرکز تمرکز، جمعیتی با اقتصاد ناسالم به شمار می‌رود. همچنین این بافت‌ها به لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیز به دلیل تمرکز زیاد جمعیت، تبدیل به مناطق ناامن و مراکز جرم خیز شده‌اند. در حال حاضر و تا زمان اتخاذ سیاست‌های روشن، عملی و مطمئن، مشکل اساسی مواجهه با مسأله‌ی اسکان غیر رسمی، مشکل تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در ابعاد کلان و خرد است (ناظری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱)

کانون‌های جرم‌خیز بیانگر مکان یا محدوده جغرافیایی است که میزان بزهکاری در آن از حد متوسط بالاتر است، تحلیل جغرافیایی کانون‌های جرم‌خیز به فرایند؛ نمایش، شناسایی و تعیین حدود محدوده‌های تراکم و تمرکز بزهکاری در سطح شهرها اطلاق می‌شود. بدین طریق سعی می‌شود ضمن شناسایی عوامل این تمرکز راهبردها و تدابیر مناسب حذف یا کاهش این عوامل اتخاذ شود و از وقوع بزه در این محدوده‌ها جلوگیری گردد. بخش دیگر این فرایند تعیین اولویت‌ها و تخصیص بهینه‌ی منابع اعم از نیروی انسانی تجهیزات و امکانات پلیسی جهت کاهش بزهکاری در این محدوده‌هاست. از طرفی با بررسی خصوصیات کالبدی، اجتماعی فرهنگی مؤثر در وقوع بزه در این محدوده‌ها می‌توان اقدام به برنامه‌ریزی جهت از بین بردن یا کاهش اثرات این عوامل نمود. یا اینکه برخی محدوده‌های مستعد جرم‌خیزی یا زمان و مکان احتمالی وقوع بزه در آینده را پیش‌بینی نموده و یا جهت دستگیری بزهکاران حرفه‌ای و باسابقه اقدام شود (فیالکوف، ۱۳۸۸: ۱۳). همانند شناسایی فضاهای منطقه‌ای که بستری گسترده از ساختارهای ارتباطی خرد و کلان، تعارضات اجتماعی، انواع جرایم و کجروی‌ها و خشونت‌های سازمان یافته را ترسیم می‌کنند. به همین دلیل، بسیاری از مسائل اجتماعی، افزایش روز افزون جرایم و بزه‌کاری در محیط‌های شهری است. نکته قابل توجه این است که میزان و نوع جرایم و انحرافات اجتماعی در مناطق مختلف شهری متفاوت است؛ چرا که «جرم دارای ظرف مکانی و زمانی منحصر به فردی است که باعث می‌شود رفتار مجرمانه در واحد مکان، توزیع فضایی یکسانی نداشته باشد. برخی مکان‌ها به لحاظ ساختار کالبدی خاص، نوع فعالیت و ویژگی‌های ساکنان آن امکان و فرصت بیشتری را برای وقوع جرم فراهم می‌کنند و مجرمان انگیزه دار را که بر اساس انتخاب عقلانی به دنبال کم خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه هستند، به سوی خود جذب می‌نمایند» (احمدآبادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۴۵). بنابراین، برخی از مکان‌ها و نقاط شهری هستند که مستعد جرم‌خیزی و بروز آسیب‌های اجتماعی‌اند و حاشیه‌ها و بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری دو گونه‌ی اصلی این فضاهای بی دفاع شهری به شمار می‌روند. به طور اساسی سنجش رابطه‌ی شهرنشینی و متغیرهای مربوط به آسیب‌های اجتماعی (رفتار آنومیک) نشانگر تأثیر شهرنشینی بر گسترش و تشدید این متغیرها می‌شود، هرچند این تأثیرات به صورت غیرمستقیم باشد. از همین رو است که شهر به نظر رابرت پارک بهترین مکان برای ظهور پدیده‌ی بی‌سازمانی (آنومی) اجتماعی است. نرخ بالای زاد و ولد، بالا بودن بعد خانوار، جوانی جمعیت، بی‌سوادی و کم‌سوادی، بیکاری، درآمد ناچیز، پرداختن به انواع مشاغل کاذب از یک طرف و وضعیت اسفبار محیط فیزیکی مانند مسکن نامناسب، فقدان بهداشت، فقدان تأسیسات و تجهیزات زیربنایی و خدمات شهری، از سویی دیگر آلودگی چشم‌انداز را در مناطق حاشیه‌ای شهرها به نمایش می‌گذارند.

در این راستا از سال ۱۳۳۵ ه.ش به دلیل تغییرات اساسی در ساخت اقتصادی کشور، رشد جمعیت کشور نیز دچار تغییر و تحولاتی اساسی گردید به طوری که جمعیت شهر مشهد از ۲۴۱۹۹۸ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۴۰۹۶۱۶ نفر در سال ۱۳۴۵ رسید و نرخ رشد سالانه‌ای در حدود ۴/۵ درصد داشته است. همچنین وسعت شهر نیز از ۱۶ به ۳۳ کیلومتر مربع یعنی بیش از ۲ برابر افزایش یافت. توسعه شبکه حمل و نقل هوایی، تأسیس کارخانجات و توسعه فعالیتهای بهداشتی نیز از جمله مواردی بودند که در توسعه فیزیکی شهر مشهد مؤثر واقع شدند. مشکلات ناشی از رشد جمعیت، بی‌توجهی به نحوه استفاده از اراضی، توسعه نامنظم شهر و سایر مشکلات عمومی باعث گردید که تهیه طرح جامع شهر در سال ۱۳۴۶ به مهندسی مشاور ابلاغ گردد. در طرح جامع سمت توسعه آینده شهر به صورت پیوسته در غرب شهر با توجه به پیش‌بینی افزایش جمعیت ۴۰۹۶۱۶ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۱۴۶۵۰۰۰ در سال ۱۳۷۰ پیش‌بینی گردید. در این طرح وسعت شهر از ۴/۳۳ به ۱۷۰ کیلومتر مربع افزایش می‌یافت. همگام با مراحل تهیه طرح جامع، تفضیلی؛ شهر از نظر فیزیکی و جمعیتی به رشد خود ادامه می‌داد بطوری‌که جمعیت مشهد در سال ۱۳۵۵ به ۶۶۷۷۷۰ نفر (با نرخ رشد سالانه بین ۱۳۴۵-۵۵ حدود) افزایش یافت. سال ۱۳۷۵ به دلیل وقوع کودتای مارکسیستی در افغانستان حدود ۵۵۷/۰۰۰ نفر از مهاجرین افغانی در خراسان ساکن شدند که از این تعداد حدود ۲۹۶۵۰۰ نفر (۲/۵۳٪) در شهر مشهد به ویژه در حاشیه قلعه ساختمان و گلشهر (مناطق اسکان غیررسمی) سکنی گزیدند. همچنین در نتیجه وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران عده‌ای از مهاجرین جنگ تحمیلی وارد خراسان و به ویژه شهر مشهد شدند. عوامل فوق به همراه افزایش مهاجرت‌های روستا- شهری دست به دست هم داده و باعث رشد سریع جمعیت شهر در این دوره گردید به طوری که جمعیت از سال ۱۳۵۵ به سال ۱۳۶۵ با نرخ رشدی معادل ۸٪ در سال افزایش یافت که بالاترین نرخ رشد جمعیت شهری در ایران بوده است. مساحت شهر نیز در این دوره (۶۵-۱۳۵۵) از ۷۸ به ۲۲۰ کیلومتری با نرخ رشد معادل ۱۱٪ در سال، افزایش یافت. در این تحقیق بین نوع بافت مناطق حاشیه‌ای به عنوان مناطقی با بافت کالبدی نامناسب، با مساله تشدید وقوع جرم بررسی‌های متعددی صورت گرفته است تا نوع رابطه بین این عوامل را بتوان تشریح کرد.

مبانی نظری:

نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات را بر اساس واحد تحلیل و نوع نگاه به علل جرم می‌توان به دو رویکرد کلی تقسیم کرد: اولین رویکرد، «رویکرد جامعه‌شناختی» است که در مطالعه جرم، به فرد، انگیزه‌ها، تمایلات ذهنی، ویژگی‌های شخصی، زمینه‌ی خانوادگی و تعلق گروهی مجرم توجه دارد. این رویکرد، با تکیه بر نظریه‌های جامعه‌شناختی، به تأثیر عوامل اجتماعی بر وقوع جرم و جرم تأکید دارد. در مقابل و در رویکرد دوم، که آن را رویکرد «بوم شناختی» می‌نامیم، بررسی زمینه عینی وقوع جرم و عوامل موقعیتی و فرصت‌هایی که باعث وقوع جرم می‌شود، بیش از عوامل اجتماعی جرم، مانند فقر و بیکاری، مورد توجه است (Sorenson & et al, 1998: 55). در این میان مکان، محیط جغرافیایی، خصوصیات فیزیکی محیط، معماری و طراحی فضاها و به طور کلی زمینه‌های موقعیتی می‌تواند به عنوان متغیرهای تأثیرگذار در رویکرد دوم مطرح شوند. تأکید بر مکان در نظریه‌های این رویکرد، کاستی‌های ناشی از تأکید صرف بر انگیزه‌های مجرمانه را در شناخت و تبیین جرم جبران می‌کند (Kohen & et al, 1979: 114). علاوه بر این، رویکرد دوم نسبت به رویکرد اول، پیشگیری جرم از طریق ساماندهی و بهبود مکان و کاهش جاذبه‌های مجرمانه را بصورت گسترده‌تری مورد توجه قرار داده است (احمدآبادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵۷).

رویکردهای جامعه‌شناختی:

از جمله نظریات مربوط به رویکرد جامعه‌شناختی، نظریه‌های پیوند و تقویت افتراقی هستند که در زمره‌ی نظریات یادگیری اجتماعی قرار می‌گیرند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۴۳). تأکید اصلی این نظریه‌ها بر دخیل بودن محیط اجتماعی و انسانی در بروز انحرافات اجتماعی است. نظریه‌ی پیوند افتراقی «ادوین سادرلند»، مشهورترین نظریه از مجموع نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری در مباحث کج رفتاری اجتماعی است. نکته اصلی نظریه‌ی سادرلند این است که افراد به این علت کج رفتار می‌شوند که تعداد تماس‌های انحرافی آنان بیش از تماس‌های غیر انحرافی آنها است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که می‌گویند ادامه یا توقف هر نوع رفتاری بستگی به تشویق یا مجازات دارد، یعنی تشویق موجب ادامه‌ی رفتاری خاص و مجازات

باعث توقف آن خواهد شد، نظریه سادرلند را مورد سؤال قرار داده‌اند. به بیان دیگر، این دو مدعی‌اند که صرف پیوند با کج رفتاران کسی را کج رفتار نمی‌کند، بلکه همین افراد کج رفتاری را به هم نوایی ترجیح خواهند داد، در صورتی که نسبت به هم نوایی رضایت بخش‌تر باشد. برگس معتقد بود توسعه شهر، همانند دوایر متحد مرکزی شکل می‌گیرد که در هر یک از این دایره‌ها فعالیت خاصی در جریان است (ممتاز، ۱۳۸۲: ۸۵). برگس بر این باور است که در منطقه‌ی انتقالی به دلیل سطح بالای تحرک جمعیت، میزان بالای مهاجرت، ویرانی خانه‌ها و تراکم جمعیت، بالاترین میزان جرم و بزهکاری مشاهده می‌شود. عدم ثبات جمعیتی و بوم شناختی در منطقه‌ی انتقالی موجب تخریب توانایی کارکرد نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده و کنترل رفتار ساکنان می‌شود (احمدی، ۱۳۸۳: ۶۲). رهیافت فرصت نیز در جرم‌شناسی به قلمرو و مکان وقوع جرم توجه می‌کند و بر این اساس استوار است که برخی موقعیت‌ها برای جرم مساعدتر از سایر موقعیت‌هاست (Berk bak & et al, 1993: 123). گراسمیک و همکارانش موقعیتی را فرصت می‌دانند که در آن عمل جرم/ انحراف ممکن می‌گردد (Gerasmick & et al, 1993). تایتل و همکارانش معتقدند در تبیین فضای مفهومی فرصت باید بین زمینه‌ی بی واسطه‌ی فیزیکی آن و بخش‌های فردی موقعیت، مثل تصمیم‌گیری درباره‌ی انجام دادن یا ندادن جرم تمایز قایل شد. به عبارت بهتر، فرصت جرم زمانی وجود دارد که عمل مجرمانه‌ی مشخصی از نظر فیزیکی ممکن باشد؛ مثل نبود نگهبان مسلح در بانک یا قفل‌های قابل شکستن (Taitel & et al, 2003: 72).

نظریه‌ی فعالیت روزمره (کوهن و همکاران، ۱۹۷۹) و نظریه‌ی انتخابی عقلانی (کلارک و همکاران، ۱۹۸۵) در زمره‌ی رهیافت فرصت قرار دارند. فصل مشترک این نظریه‌ها معرفی فرصت به عنوان عامل جرم و ارایه تصویر جرم به عنوان واقعه‌ای موقعیتی است (احمدی آبادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵۹). کوهن و فلسون در نظریه‌ی فعالیت روزمره ادعان کردند که وقوع جرم تابعی است از مجرم باانگیزه، حضور اهداف مناسب (شیء، مکان یا فرد)، و غیبت پاسبان کارآ مثل پلیس در خیابان یا نگهبان آپارتمان. میزان جرم می‌تواند در اثر تغییر در وضعیت اهداف در دسترس یا کارآمدی پاسبانان تغییر کند. در این نظریه، توزیع جرم در تقاطع زمان، مکان، اهداف مناسب و مجرمان انگیزه دار تعیین می‌شود. این تقاطع زمانی و مکانی را انواع مشخصی از فعالیت‌ها در مکان‌های خاص، از محیط‌های کاملاً ساخت یافته مثل محل کار و مدرسه تا محیط‌های کمتر ساخت یافته مثل خانه و مکان‌های تفریحی، شکل می‌دهند (قبلی، ص ۲۵۹). این نظریه سعی می‌کند به فرصت‌هایی که انگیزه‌ی لازم برای انتخاب عقلانی رفتار مجرمانه را بر می‌انگیزند، توجه کند (Felson & et al, 1998). از این رو، فرصت را عامل نهایی جرم می‌داند و نقش فرصت مناسب را در جریان تصمیم‌گیری مهم فرض می‌کند. در ادامه و تکمیل این نظریات، رهیافت پیشگیری مکانی از جرم وارد میدان شد. دو رهیافت کلی و عمده در بحث پیشگیری مکانی از جرم مطرح است که عبارت‌اند از پیشگیری جرم از طریق طراحی محیط و پیشگیری موقعیتی از جرم. وجه عمده‌ی شباهت این دو رهیافت در تأکید بر مکان وقوع جرم، طراحی و مدیریت مکان برای پیشگیری از جرم است. اصطلاح «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» را اولین بار جرم شناس آمریکایی به نام سی. ری. جفری (۱۹۷۷) در کتابی با همین عنوان فرمول‌بندی کرد که در نظریه‌ی فضای قابل دفاع اسکار نیومن توسعه یافت. پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را می‌توان این گونه تعریف کرد: «طراحی مناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط ساخته شده که منجر به کاهش فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی می‌شود». این نظریه بر این اندیشه مبتنی است که رفتار انسانی در محیط تحت تأثیر طراحی آن محیط قرار دارد. این نظریه تأکید دارد که با بهینه‌سازی فرصت‌های نظارت، تعریف مشخص و واضح از قلمرو و ایجاد تصویری مثبت از محیط، می‌توان مجرمان را از ارتکاب جرم بازداشت (محمودی جانکی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۴۹).

در ادامه‌ی کار جفری، اسکار نیومن با طرح نظریه‌ی «فضای قابل دفاع»، بر تأثیر خصوصیات فیزیکی محله‌ی مسکونی بر میزان جرم در آن تأکید و ادعان کرد که خصوصیات معماری، طرح فیزیکی و نقشه‌ی ساختمانهای مسکونی بر الگوی روابط بین افراد محله و نظارت اجتماعی غیر رسمی تأثیر می‌گذارد (Neyouman, 1972). از نظر نیومن، به کارگیری استراتژی فضای قابل دفاع می‌تواند بوم پایی پنهان، حس جمعی ساکنان، احساس مسئولیت آنها برای تأمین امنیت و حفظ محله‌ای سالم، مولد و مراقبت شده، مداخله در جرم و گزارش آن را به پلیس بهبود بخشد (احمد آبادی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۶۱).

نظریه‌ی پیشگیری موقعیتی از جرم نیز در انگلستان به دست دانشمندانی چون کلارک و مایه‌یو با تأکید بر کاهش فرصت‌ها برای وقوع جرم از طریق بهبود طراحی و مدیریت محیط وضع شد که بر اساس آن، انسان عقلانی است و با محاسبه‌ی خطرات و مزایای هر عمل، مجموعه‌ای از رفتارها را ترجیح می‌دهد. این رهیافت به نظریه‌ی فعالیت روزمره بسیار نزدیک است (Kelark & et al, 1998). با جمع‌بندی نظریه‌های یاد شده به نظر می‌آید که مکان یا فضای جغرافیایی از سه راه وقوع جرم را تسهیل می‌کند:

الف) مشخصات فیزیکی یا ساختمانی مکان، توانایی کنترل اجتماعی را در مقابل جرایم مختلف کاهش می‌دهد و مقدمات مکانی جرم به خودی خود و مستقل از خصوصیات ساکنان بر جرم تأثیر می‌گذارد.

ب) گذشته از خصوصیات فیزیکی مکان، جرم تصادفاً یا اتفاقی در مکان توزیع نمی‌شود. محیط دارای اهداف و موقعیت‌های جذاب‌تر، برای مجرمین جالب توجه خواهد بود. بعضی مکان‌ها به دلیل نوع افرادی که جذب می‌کنند می‌توانند سطوح بالاتر جرم را رقم بزنند؛ مثلاً، ساختمان‌های رها شده یا حلبی‌آبادها و سکونتگاه‌های خراب و بدون مالک برای مبادله‌کنندگان مواد مخدر جذاب است (احمدآبادی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۶۱).

ج) زندگی و اجتماعی شدن در محیطی که اولاً تراکم جرایم در آن زیاد است و بنابراین تعداد تماس‌های انحرافی فرد افزایش می‌یابد و ثانیاً خرده فرهنگ‌های بزهکار در آن تقویت‌کننده‌ی جرم هستند سوق دهنده افراد، به خصوص نسل جوان، به سمت جرم و انحراف می‌شود.

پیشینه تحقیق:

پژوهش‌های متعددی درباره رابطه جرم- مکان و تأثیر ویژگی‌های کالبدی شهری بر وقوع آسیب‌های اجتماعی در داخل و خارج انجام گرفته است. برای مثال یافته‌های پژوهشی در شهر اهواز نشان می‌دهند: «میزان جرم و بزه‌کاری با امکانات آموزشی- فرهنگی و ... هر منطقه‌ای رابطه دارد؛ و میزان جرم در مناطق مختلف شهر متفاوت است؛ و زندگی در محیط فقیر با ویژگی‌های تراکم جمعیت، فقدان امکانات تفریحی، هنری، فرهنگی، ورزشی و... سوق دهنده‌ی فرد به سوی جرم می‌باشد» (براتوند و همکاران، ۱۳۷۵). همچنین در پژوهشی در شهر بابل «رابطه مثبت معنادار میان دو متغیر افزایش مسکن نامناسب و فراوانی اعتیاد تأیید می‌شود» (نصیری، ۱۳۸۵: ۱۲۴). نتایج تحقیقی در شهر مشهد نیز خاطر نشان می‌سازد که «میان وضعیت سکونت خانواده با بزه‌کاری نوجوانان رابطه‌ی مثبت و مستقیم وجود دارد» (اخگری اسلامی، ۱۳۸۱: ۲۰۳). همچنین بافت‌های فرسوده و نقاط حاشیه‌ای شهر مشهد نیز به لحاظ فراوانی وقوع جرایم و آسیب‌ها در جایگاه بالاتری نسبت به سایر نقاط شهری قرار دارند. برای مثال منطقه ۵ شهرداری (حاشیه) و منطقه ثامن (بافت فرسوده) در این شهر عموماً در بیشتر جرایم، رتبه نخست را به خود اختصاص داده‌اند (صالحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۷).

با نگاهی جزئی‌تر می‌توان گفت: بین ارتکاب جرایم و ویژگی‌های محل وقوع جرم، مثل تاریکی و خلوتی محیط، ارتباط معناداری وجود دارد. به علاوه، تراکم جمعیت نیز به عنوان عامل مؤثر در بروز جرم عمل می‌کند. این پدیده در بخش مرکزی شهر تهران سبب افزایش میزان جرایم شده است. به نظر می‌رسد که تعداد جمعیت بیشتر، با افزایش سطح اصطکاک اجتماعی و رفتاری و برخورد منافع ساکنان این مناطق، موجب افزایش بروز رفتارهای ناهنجار در مناطق و نواحی پرتراکم شده است. علاوه بر این، فشار جمعیت و ازدحام آن یکی از موانع کنترل اجتماعی محسوب می‌شود و با از هم گسیختگی و ناهمگونی روابط افراد به عنوان عاملی مثبت و مؤثر در بروز جرم عمل می‌کند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۲: ۹۱). همچنین در شهر شیراز بیشترین میزان جرم در مناطقی اتفاق افتاده است که دارای بالاترین میزان تراکم جمعیت بوده‌اند و تحرک جمعیتی بیشتر و بافت قدیمی‌تر و کهنه‌تری داشته‌اند (بیانلو و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۱). این وضع در کشور های دیگر نیز به چشم می‌خورد. مثلاً لافون و میشو در سال ۱۹۷۶ م. تحقیقاتی در شهر گرونوبل فرانسه انجام دادند و به روشنی مشخص کردند که اطفال بزهکار، بیشتر در ساختمان‌های ناسالم و برخی از محلاتی بوده‌اند که برای سلامتی اخلاق زیان آور است. این تحقیقات نشان می‌دهد که بزهکاری جوانان در این محلات و ساختمان‌های مخروبه از حد متوسط مجموع بزهکاری شهرها زیادتر بوده است. در واقع ۱۸ درصد بزهکارانی که جرایم گوناگون را مرتکب شده‌اند، اغلب در محله‌های مخروبه و ناسالم ساکن بوده‌اند و ۳۵ درصد آنها

کسانی هستند که در ساختمان ها و محلات بدنام و فاسد ساکن بودند. این پژوهشگران در نهایت رابطه محیط سکونت و بزهکاری را تأکید می‌کنند (مسعودی فر، ۱۳۸۵: ۴۷).

محدوده مورد مطالعه:

شهر مشهد به عنوان مرکز استان خراسان در ۳۶ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۳۶ دقیقه و ۴۵ ثانیه طول شرقی قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۹۷۰ متر و فاصله زمینی آن با تهران ۹۳۴ کیلومتر است. مساحت شهر مشهد معادل ۲۸۲۹۳.۸ هکتار و جمعیت آن بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ شامل ۲۴۲۷۳۱۶ نفر بوده است. مساحت بافت های ناکارآمد مصوب ۲۲۵۸.۷ هکتار و نسبت این مساحت به سطح کل محدوده در مشهد معادل ۰.۰۸ درصد است. (جدول شماره ۱).

جدول ۱- تفکیک جمعیت بر اساس تفکیک خانوار و جنس در شهر مشهد

متوسط رشد سالانه (درصد)	ضریب جنسی	جمعیت			تعداد خانوار	سال سرشماری
		زن	مرد	جمع		
-	۱۰۱	۱۲۰۵۱۸	۱۲۱۴۷۱	۲۴۱۹۸۹	۶۲۰۴۸	۱۳۳۵
۵.۴	۱۰۷	۱۹۸۲۱۰	۲۱۱۴۰۶	۴۰۹۶۱۶	۸۹۰۴۷	۱۳۴۵
۵.۰	۱۰۴	۳۲۷۱۲۶	۳۴۰۶۴۴	۶۶۷۷۷۰	۱۴۴۵۹۲	۱۳۵۵
۸.۲	۱۰۴	۷۱۶۵۷۰	۷۴۶۹۳۸	۱۴۶۳۵۰۸	۳۰۰۳۱۷	۱۳۶۵
۲.۶	۱۰۳	۹۳۰۰۶۹	۹۵۷۳۴۵	۱۸۸۷۴۱۴	۴۰۸۲۹۹	۱۳۷۵
۲.۵	۱۰۲	۱۲۰۳۴۷۶	۱۲۲۳۸۴۰	۲۴۲۷۳۱۶	۶۳۷۴۲۴	۱۳۸۵

ماخذ: مرکز آمار ایران



شکل ۱- نقشه موقعیت سیاسی - جغرافیایی شهر مشهد

روش تحقیق:

پژوهش حاضر به لحاظ روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و از نوع کاربردی است. که در آن ترکیبی از روش‌های اسنادی و تحلیل ثانویه نیز به کار رفته است. در این پژوهش نیز برای دستیابی به داده‌های کمی برای توصیف میزان جرم و آسیب‌های اجتماعی در بافت‌های ناکارآمد و مقایسه‌ی آن با سایر مناطق شهر مشهد، از داده‌های از پیش موجود در دو منبع «گزارش عملکردی دادگاه‌های عمومی و انقلاب شهرستان مشهد از تاریخ ۱۳۸۹/۰۱/۰۱ تا ۱۳۹۰/۱۱/۲۰» استفاده شده است. پس از

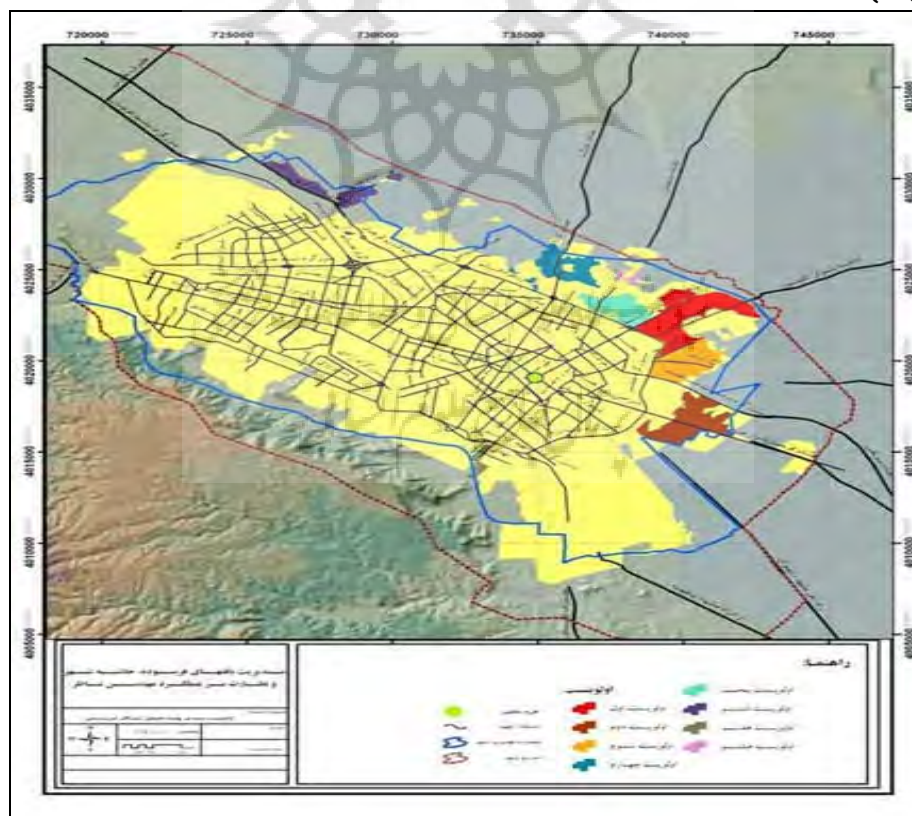
پاسخ به سؤال توصیفی و نشان دادن بالا بودن میزان جرم در این مناطق، با تکیه بر نظریات مطرح شده در سوابق و چارچوب نظری، به تبیین جامعه‌شناختی چگونگی تأثیرگذاری ویژگی‌های این بافت‌ها بر افزایش میزان جرم پرداخته شد است.
یافته‌های تحقیق:

پهنه‌های اسکان غیررسمی که به عنوان بافت‌های ناکارآمد شهری محسوب می‌شوند در جدول زیر مشخصات آنها به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته است. (جدول و شکل شماره ۲).

جدول ۲- مشخصات پهنه بندی مناطق اسکان غیر رسمی در شهر مشهد

اولویت بندی پهنه اسکان غیررسمی	درصد قطعات زیر ۵۰ مترمربع	تعداد قطعات زیر ۵۰ مترمربع	تعداد کل قطعات مسکونی	تراکم ناخالص نفر در هکتار	مساحت (هکتار)	جمعیت ۸۵	پهنه های اسکان غیررسمی
۱	۳۷.۳	۱۲۲۵۸	۳۲۸۴۴	۳۰۹.۲	۵۸۰	۱۷۹۳۵۲	التیمور
۲	۲۶.۹	۵۷۷۲	۲۱۴۵۵	۲۴۸	۴۲۹.۶	۱۰۶۷۲۸	قلعه ساختمان
۳	۲۷.۸	۴۲۸۶	۱۵۴۴۴	۲۷۰	۳۳۹	۹۱۴۰۵	گلشهر
۴	۲۹.۶	۳۹۱۵	۱۳۲۲۷	۲۴۵	۲۸۱.۶	۶۸۸۸۵	خواجه ربیع
۵	۳۰.۲	۳۴۶۸	۱۱۴۹۷	۲۷۷	۲۴۶.۶	۶۸۳۵۰	دروی
۶	۳۱.۸	۳۱۱۵	۹۷۸۰	۲۰۰	۲۸۴.۶	۵۶۹۹۹	محور قدیم قوچان
۷	۱۳.۳	۲۵۶	۱۹۳۰	۲۵۲	۶۳.۵	۱۵۹۸۹	سیدی
۸	-	فاقد آمار	فاقد آمار	۲۶۳	۲۹.۱	۷۶۴۸	سیس آباد
-	۳۱.۳	۳۳۰۷۰	۱۰۶۱۷۷	۲۶۴	۲۲۵۴	۵۹۵۳۵۶	جمع
				۱۷۱.۴	۵۴۹۶.۲	۹۴۱۹۵۸	پهنه فقر

منبع: شهرداری مشهد.



شکل ۲- نقشه پراکنش فضایی پهنه‌های اسکان غیر رسمی در شهر مشهد

نرخ جرایم و آسیب های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای:

آمار جرایم بر حسب تعداد محکومان زندان مرکزی مشهد و نسبت آنها به جمعیت منطقه به تفکیک مناطق دوازده گانه‌ی مشهد و جرم ارتكابی و محاسبه درصد هر جرم با کل همان جرم در مشهد. جدول شماره ۳ زیر نشان دهنده نسبت تعداد محکومان هر یک از مناطق دوازده گانه شهر مشهد و مناطق حاشیه ای است که در سال ۱۳۸۹ در زندان مرکزی مشهد دوران محکومیت خود را می‌گذرانده‌اند. این نسبت از تقسیم تعداد محکومان هر منطقه بر تعداد جمعیت هر منطقه به تفکیک نوع جرم به دست آمده است و در نهایت نسبت هر جرم به جمع کل همان جرم در مشهد به صورت درصد بیان شده است.

جدول ۳- درصد مجرمین هر منطقه با نسبت نوع جرم در کل شهر مشهد

مناطق جرم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	ثامن	کل جرم به نسبت جمعیت	میانگین مناطق (درصد)	نسبت محکومان هر منطقه به کل همان محکومیت در مشهد	
															اعتیاد	ضد عفت
	۳.۱	۴.۶	۷.۸	۱۰.۹	۲۳.۴	۴.۶	۶.۲۵	۶.۲	۳.۱	۷.۸	۳.۵	۱۸.۷۵	۰.۶۴	۱۷	اعتیاد	نسبت محکومان هر منطقه به کل همان محکومیت در مشهد
	۵	۵	۱۰	۵	۱۵	۰	۵	۱۰	۵	۱۰	۰	۳۰	۰.۲	۱۱	ضد عفت	
	۰	۰	۰	۰	۳۳.۳۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۶.۶۶	۰.۰۳	۱۲.۵	جعل	
	۴.۳۴	۵.۴۳	۸.۶۹	۱۳.۰۴	۲۱.۷۳	۶.۵۲	۵.۴۳	۵.۴۳	۴.۳۴	۷.۶۰۸	۳.۲۶	۱۴.۱۳	۰.۹۲	۲۱	سرقت	
	۵.۷۱	۸.۵۷	۸.۵۷	۱۱.۴۲	۱۷.۱۴	۲.۸۵	۵.۷۱	۸.۵۷	۲.۸۵	۸.۵۷	۲.۸۵	۱۷.۱۴	۰.۳۵	۱۲	علیه اشخاص	
	۱.۵	۷.۸۹	۵.۲۶	۷.۸۹	۷.۸۹	۲.۶۳	۵.۲۶	۱۰.۵۲	۱۰.۵۲	۱۰.۵۲	۱۰.۵۲	۱۵.۷۸	۰.۳۸	۸	علیه اموال	
	۳.۰۴	۴.۸۷	۶.۰۹	۹.۱۴	۲۷.۴۳	۵.۴۸	۴.۸۷	۶.۰۹	۴.۲۶	۶.۷۰	۱۱.۵۸	۱۰.۳۶	۱.۶۴	۱۸.۵	مواد مخدر	

منبع: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۰.

جدول بالا نشان می‌دهد که درصد جرم در مناطق دارای بافت ناکارآمد و حاشیه‌ای نسبت به کل مشهد، در جرایم سرقت، مواد مخدر و اعتیاد رتبه اول را دارد، که این امر نشان از بالابودن میزان جرم و بزه در این مناطق دارد.

آمار جرایم بر حسب تعداد دادنامه های ورودی به مراجع قضایی شهر مشهد به تفکیک مجتمع قضایی :

جدول شماره ۴ تعداد دادنامه‌های ورودی به مراجع قضایی شهر مشهد را برحسب نوع جرم (اتهام) و به تفکیک مجتمع‌های قضایی شهر مشهد نشان می‌دهد. گفتنی است با اینکه حوزه‌های شعب قضایی شهر مشهد انطباقی با تقسیم‌بندی دوازده-گانه‌ی مناطق (شهرداری) ندارد. داده‌های زیر می‌تواند میزان وقوع جرایم را در مناطق حاشیه‌ای با دیگر مناطق شهر مقایسه کنند. میزان وقوع جرم در این مناطق در جرایم نگهداری نوار و سی دی مبتذل و مزاحمت برای بانوان و اطفال، در رتبه اول و در جرایم اعتیاد به مواد مخدر، نگهداری و مالکیت مواد مخدر و سرقت مستوجب تعزیر در رتبه دوم شهر مشهد قرار دارد.

جدول ۴- تعداد دادنامه های ورودی به مراجع قضایی کل مشهد

جمع	نگهداری و مالکیت مواد مخدر	سرقت مستوجب تعزیر	مزاحمت برای بانوان و اطفال	اعتیاد به مواد مخدر	نگهداری نوار و سی دی مبتذل	نوع اتهام کل مجتمع‌های قضایی مشهد
۱۵۸۴۵	۷۶۲	۹۴۱۱	۶۳۷	۴۸۱۴	۲۲۱	جمع کل مشهد
۶۳۸۰	۴۲۱	۳۷۵۰	۲۱۸	۱۹۲۵	۶۶	مناطق دارای بافت ناکارآمد

منبع: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۰.

تحلیل یافته‌های پژوهش:

تأثیر تاریکی و روشنایی فضا در ارتکاب جرم:

تاریکی از جمله عواملی است که می‌تواند به شدت از کنترل اجتماعی در سطح مناطق شهری بکاهد. مقادیر کای اسکوار و سطح معنی داری آن نشان می‌دهد که بین میزان روشنایی و ارتکاب جرم رابطه معنی داری وجود دارد. یعنی تأثیرگذاری محیط بر میزان وقوع جرم، با توجه به جدول سرتقت بیشتر در محیط‌های تاریک رخ می‌دهد. این در حالی است که علیه اموال بیشتر در محیط‌های روشن رخ می‌دهد. پس بین نوع جرم و میزان روشنایی رابطه وجود دارد. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- چگونگی ارتباط بین تاریکی و روشنایی با وقوع جرم

نوع جرم / محل وقوع	منطقه تاریک	منطقه روشن	جمع کل
قاچاق مواد مخدر	۴۹ ٪۴۵	۶۰ ٪۵۵	۱۰۹ ٪۱۰۰
علیه اموال	۱۲ ٪۱۲.۴	۸۵ ٪۸۷.۶	۹۷ ٪۱۰۰
علیه اشخاص	۳۶ ٪۵۱.۴	۳۴ ٪۴۸.۶	۷۰ ٪۱۰۰
سرتقت	۴۴ ٪۵۵	۳۶ ٪۴۵	۸۰ ٪۱۰۰
جرایم منکراتی	۶ ٪۱۵.۶	۲۶ ٪۸۴.۴	۳۲ ٪۱۰۰
جمع	۱۵۱	۲۳۸	۳۸۸

Chi-Square = 52.128 df = 4 Sig = 0.000
Contingency Coefficient = 0.344

منبع، یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۰.

ارتباط بین شلوغی و خلوتی محل با ارتکاب جرم:

به طور کل وجود جمعیت به عنوان یک عامل بازدارنده در وقوع جرم محسوب می‌شود، اما در برخی اوقات همین جمعیت وادارنده و زمینه‌ساز بروز برخی جرایم دیگر می‌باشد. همان‌طور که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود بین ارتکاب جرم با وجود عامل جمعیت که در شلوغی و خلوتی محل تأثیر دارد، رابطه وجود دارد. به نوعی که قاچاق مواد مخدر بیشتر در محیط‌های شلوغ رخ می‌دهد. البته در این امر برای فرد مجرم در صورت احساس خطر نوعی راهکار امنیتی به لحاظ امکان فرار وجود دارد. در حالیکه سرتقت بیشتر در محیط‌های خلوت رخ می‌دهد و علت این امر هم راحتی فرار پس از سرتقت است.

جدول ۶- چگونگی ارتباط بین شلوغی و خلوتی محل با وقوع جرم

نوع جرم / محل وقوع	منطقه شلوغ	منطقه خلوت	جمع کل
قاچاق مواد مخدر	۹۵ ٪۸۷.۱	۱۴ ٪۱۲.۹	۱۰۹ ٪۱۰۰
علیه اموال	۵۲ ٪۵۳.۶	۴۵ ٪۴۶.۴	۹۷ ٪۱۰۰
علیه اشخاص	۲۴ ٪۳۴.۲	۳۴ ٪۴۵.۸	۷۰ ٪۱۰۰
سرتقت	۸ ٪۱۰	۷۲ ٪۹۰	۸۰ ٪۱۰۰
جرایم منافی عفت	۴ ٪۱۲.۵	۲۸ ٪۸۷.۵	۳۲ ٪۱۰۰
جمع	۱۸۱	۱۷۵	۳۸۸

Chi-Square = 136.002 df = 4 Sig = 0.000
Contingency Coefficient = 0.509

منبع، یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۰.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

مطالعه موردی جرایم در پهنه‌های دارای بافت ناکارآمد شهر مشهد نشان داد که این بافت‌ها از نظر توزیع فضایی جرایم در سطح شهر تقریباً بالاترین میزان وقوع جرم را در بین مناطق دوازده‌گانه‌ی شهر دارند. در این بخش با استفاده از نظریه‌های

اجتماعی و جرم‌شناسی و همچنین ویژگی‌های بافت‌های ناکارآمد به تبیین چگونگی تأثیر این ویژگی‌ها بر وقوع جرایم پرداخته شد. به این منظور از ویژگی‌های کالبدی مجموعه خصوصیات شهرسازی و ریخت‌شناسانه بافت مهم بوده است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ریز دانگی، ناپایداری، نفوذ ناپذیری و غیره. هر کدام از این عناصر می‌توانند به عنوان عامل مکانی-محیطی به ارتکاب جرم کمک کنند و به تعبیر جامعه‌شناسان، علت تسهیل‌کننده برای وقوع جرم به شمار می‌روند. در بافت‌های حاشیه‌ای شهر مشهد، ریزدانگی ساختمان‌ها و در کنار آن طراحی فضایی نامناسب شهری که شامل انواع فضاهای دنج و نفوذناپذیر در ساختمان‌هاست و عنصر ناپایداری نیز وضع بسیاری از آنها را به صورت مخروبه و نیمه مخروبه در آورده است، به همراه نفوذ ناپذیری معابر و کوچه‌ها و شکل تودر تو و مارپیچ گونه‌ی آنها و ... به تعبیر کوهن و فلسون، یک بلکه چندین «هدف مناسب» برای وقوع جرم توسط افراد بزهکار را، به وجود آورده است. از پنج جنبه ساختار شهری که استارک (۱۹۸۷) به عنوان فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده ارتکاب جرم در محلات و کاهش نظارت اجتماعی غیر رسمی (و رسمی) بر می‌شمرد، تقریباً همه آنها را می‌توان در بافت‌های حاشیه‌ای شهر مشهد مشاهده کرد: تراکم (به دلیل وجود اسکان رسمی و غیر رسمی آنها در بافت)، فقر (به دلیل کاهش کیفیت زندگی و منزلت سکونتی بافت)، کاربری مختلط (وجود منازل، بازار، کارگاه، انبار و ... در یک محیط کوچک در کنار هم)، مهاجرت (ورود و خروج سالانه‌ی افراد مهاجر به بافت) و خرابی و فروریختگی ساختمان‌ها. این ویژگی‌ها انگیزه و «فرصت فیزیکی» بسیار مناسبی را برای «انتخاب عقلانی مجرمانه» فراهم می‌آورند.

منابع:

۱. آمارنامه شهر مشهد (۱۳۸۷): انتشارات واحد آمار و اطلاعات، سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری مشهد.
۲. ابراهیمی، سید محمد و علی مسگریان (۱۳۸۷): «آسیب‌شناسی اقتصادی نقاط حاشیه نشین و ارتباط آن با جرایم»، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۷۸.
۳. احمدآبادی، زهره، مریم صالحی هیکویی، علی احمدآبادی (۱۳۸۷): «رابطه‌ی مکان و جرم»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷.
۴. احمدی، حبیب (۱۳۸۳) بررسی عوامل موثر بر تمایل حاشیه نشینان بر رفتار بزه کارانه؛ مطالعه‌ی موردی حاشیه نشینان شهر شیراز، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی.
۵. اخگری اسلامی، محمدرضا (۱۳۸۱): بررسی وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده نوجوانان بزه کار کانون اصلاح و تربیت مشهد در سال ۸۰-۸۱، اداره کل زندان‌های خراسان رضوی.
۶. اسنیپس، جفری، برایان جورج ولد (۱۳۸۱): جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جامعه‌شناسی)، ترجمه محمد آشوری و علی شجاعی، تهران: سمت.
۷. براتوند، محمود و اسدالهی، عبد الرحیم (بدون تاریخ): روند پژوهی دوازده ساله جرایم در شهر اهواز بر مبنای مطالعه و بررسی منطقه‌ای و جمعیت‌شناختی، بازیابی از سایت جامعه‌شناسی ایران.
۸. بهروان، حسین (۱۳۸۶): طرح آمایش فرهنگی شهر مشهد، دفتر مطالعات اجتماعی شهرداری مشهد.
۹. بیانلو، یوسف، محمد کریم منصوریان (۱۳۸۵): «رابطه‌ی تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
۱۰. پور احمد، احمد، محمدتقی رهنمایی، محسن کلانتری (۱۳۸۲): «بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴.
۱۱. بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری (بدون تاریخ): بازیابی در ۸، ۴، ۱۳۷۹، از سایت شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران.
۱۲. سالنامه آماری کشوری (۱۳۸۵): بازیابی از سایت مرکز آمار ایران.
۱۳. صالحی، اسماعیل، مهناز ابوالحسنی (۱۳۸۶): «نقش عوامل محیطی محلات مسکونی در پیدایش ناهنجاری‌ها رفتاری»، مجموعه چکیده مقالات همایش چالش‌های مسکن و همسایگی، ص ۶۷.

۱۴. صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۵): آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. قانون مجازات اسلامی (بدون تاریخ): بازیابی از سایت قوانین دادگستری استان تهران.
۱۶. کی نیا، مهدی (۱۳۷۴): جرم شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴): جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ پنجم، تهران: نی.
۱۸. محمود جانکی، فیروز، مجید قورچی بیگی (۱۳۸۸): «نقش طراحی محیطی در پیش گیری از جرم»، فصلنامه حقوق، سال سی و نهم، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، تابستان ۱۳۸۸.
۱۹. مسعودی فر، رضا (۱۳۸۵): تأثیر حاشیه نشینی در وقوع جرم بازیابی از سایت تخصصی حقوق.
۲۰. ممتاز، فریده (۱۳۸۱): انحرافات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۱. ناظری، شفیقه، روحی، حمید (۱۳۸۷): بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری « تبدیل تهدیدها به فرصت ها، فصلنامه فضای جغرافیایی، شماره ۲۱
۲۲. نصیری، معصومه (۱۳۸۵): «توزیع جغرافیایی مسکن گروه های کم در آمد شهری و رابطه آن با اعتیاد با تأکید بر شهر بابل»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، تابستان ۱۳۸۵.
23. Aliber, M. 2003. Chronic poverty in south Africa: incidence, causes and policies. *Journal of World Development*. Vol. 31, No. 3. 473-490.
24. Dostie, B., Haggblade, S., Randriamamonjy, J. 2002. Seasonal poverty in
25. Madagascar: magnitude and solutions. *Journal of Food Policy* 27. 493-518.
26. Hayati, D., karami, E. 2005. Typology of causes of poverty: The perception of Iranian farmers. *Journal of Economic Psychology* 26. 884-901.
27. Hjorth, P. 2003. Knowledge development and management for urban poverty alleviation. *Journal of Habitat international* 27. 381-392.
28. Macours, K., Swinnen, Joan F.M. 2008. Rural-urban poverty differences in transition countries. *Journal of World Development*. Vol. 36, No. 11. 2170-2187.
29. Philipsen Hetzner, N., Johnson, A, D., Brooks-gunn, J. 2010. Poverty, Effects of on social and emotional development. *International Encyclopedia of education*. 643-652.
30. Berk bak, P. (1993): *The Americanization of Anomie at Harvard, Knowledge and society: Studies in the Sociology of Culture Past and Present*, 6.
31. Hassanzadeh Amin & others (2011): Supplier selection and order allocation based on fuzzy SWOT analysis and fuzzy linear programming, *Expert Systems with Applications*, University of Windsor, Windsor, Canada, 8.
32. Martinez, Javier, Gora Mboupb, Richard Sliuzasa and Alfred Steina. (2008). Trends in urban and slum indicators across developing world cities, 1990–2003. *Habitat International*, Vol 32, pp 86–108.
33. Chowdhury, Farhat. Jahan and A.T.M. Nurul, Amin. (2006). Environmental assessment in slum, improvement programs: Some evidence from a study on infrastructure projects in two Dhaka slums. *Environmental Impact Assessment Review* 26, pp 530– 552.
34. Rakodi, C. 1995. Poverty lines or household strategies? . *Journal of Habitat international*. Vol. 19, No. 4. 407- 426.